

باید تاکید کرد که واقعیات مطروحه در جلسه ۲۵ اردیبهشت ۶۶ همدت سیاسی حزب توده ایران را نمی توان با "تنظیم" هیچ اطلاعیه، بیانیه، افترا نامه و یا توبه نامه، تحریف یا کتمان کرد. این تقلاي كردانندگان حزب توده ایران تلاشی است عبث.

اینجانب با علم به اینکه در این مبارزه علیه سیستم فاسد حاکم بر حزب، روزی هدف انواع افترا ناط و توطئه های زنا رنگ واقع خواهم شد، نخواستم و نتوانستم حقایق فاش در نزد دشمن را به لگوش توده های حزبی نرسانم.

در پایان برای عریان تر کردن چنین شیوه کهنه و رایجی، نوشته خود را با بخشی از نامه رفیق اکبر شاند رمنی (از انگشت شمار بازماندگان گروه ۵۳ نفر) که با موضع انقلاب و سازش ناپذیر خود در برابر سیستم فاسد حاکم بر رهبری حزب توده ایران از عضویت هیئت سیاسی استعفا داده اند، خاتمه می دهم. در همین حال در آینده نزدیک متن کامل نامه ایشان را که خود پیامی آموزنده و هشدار دهنده به توده های صادق حزبی است، انتشار خواهم داد.

رفیق شاند رمنی در نامه خود خطاب به من از جمله م. نویسد:

"رفیق کرامی انور" شهر دوشنبه هفتم ماه مه سال ۱۹۸۸

نامهتان همراه پیام ۱۹ صفحه ای به انضمام رویدار نامه رفیق بلوریان بدستم رسید. پیام شما مطالبی در بردارد که هم جالب و هم مهم می باشد. بخصوص برای جوانانی که از همه جا و همه چیز بی خبر صاف تانه و با ایمانی بی غش جان بر کف در راه نبرد خونین طبقاتی که در مان نام نهاده جانانه پیگار می کنند، اهمیت بسزایی دارد.

مسلم است کسانی امثال شما که سالیان دراز با نابکارانی چون عناصر مورد اعتراضتان دست بسته گریبان بوده اند، وظیفه وجدانی و مسلکی دارند پرتوافکن پیش راه آنان باشند و آگاهشان سازند تا راه را از چاه تمیز دهند و رفیق راه را از نارفتیق ولی در لباس رفیق، باز شناسند.

از اینرو اقدام شما کاریست لازم و صواب، گوا اینکه درد دودش را در چشم خواهید کشید، آنچه ان که دیگران. لیکن ارزش کارهای جسورانه، هشدار دهنده و بیدار کننده ای از این قبیل بیشتر از آن است که به حساب آید.....

با سلام رفیقانه به امید دیدار اکبر شاند رمنی."

"انور"

۱۲ تیرماه ۱۳۶۷

پاسخ به توبه گیران

(پیرامون اطلاعیه اخیر هیئت سیاسی حزب توده ایران)

"انور"

۱۲ تیرماه ۶۷

گردد و همچنین موجب بازگرداندن آنهاست که بر اثر استبداد تشکیلاتی موجود و عدم برخورد انقلابی با گذشته و خطاهای جدی و نبود خرد جمعی از حزب انفصال گردانند ، گردد . ولی متأسفانه با مقاومت و جناح اپورتونیست راست و اپورتونیست "چپ" که مدتها در درون هیئت سیاسی در چارچوب مناظرات قدرت طلبانه علیه هم موضع گرفته بودند ، ولی اینک در برابر طرح ارائه شده با یکدیگر همداستان و متحد شده اند تا به امروز از اجرای آن جلوگیری به عمل آورده اند . به باور من اجرای آن طرح پیشنهادی که نخست به برکناری دبیردوم حزب ، رفیق صفری منجر می گردید و پس از آن سبب تحولات درون حزبی چه از نظر سیاسی و چه از نظر تشکیلاتی می شد می توانست بسیار موثر واقع گردد . اما اگر کار به همین روال ادامه پیدا کند چگونه می توان شریک همه این عطرکدهای ضد حزبی و ناسالم بود و ساکت نشست و از چنین روندی دنباله روی نمود ؟ در این برهه از زمان توجه جدی احزاب برادر به حکم وظیفه انترناسیونالیستی امری است خطیر و جدی و اهمیت ویژه تاریخی خواهد داشت .

... غنی بلوریان ، عضو هیئت سیاسی حزب توده ایران

رونوشت به :
.....
.....

* * *

در نامه خود ادعا کرده اید :

" نامه مردم شماره ۲۰۸ با قاطعیت به انور پاسخ داده که واقعا باز هم او اگر مدارکی دارد ارائه دهد تا بر همه معلوم شود " (نامه مردم شماره ۲۱۱) .

در جلسه هیئت سیاسی ۲۵ اردیبهشت ۶۶ ، شما به اتفاق دوتن دیگر از اعضای هیئت سیاسی از طرف هیئت سیاسی برای بررسی مدارک ، در همان روز به من مراجعه کردید . اینجانب به شما و دوتن دیگر از اعضای هیئت سیاسی (رفقا برومند و فروغان) مدارک و فاکتهای انکارناپذیری را ارائه نمودم که شما و دوتن دیگر اعضای هیئت سیاسی در حضور همه آن را تأیید کردید . تا که شما بر مدارک متقن و ثبت شده در صورتجلسه ۶۶/۲/۲۵ هیئت سیاسی و تکلیفی آن توسط شما در هیئت سیاسی حتی چند ماه بعد از آن جلسه و همچنان اعلام جرم عضو دیگر هیئت سیاسی (نماینده دیگر آن جلسه سه نفره) علیه حمید صفری ، خود نیز گویای بی پایگی و دروغ آشکار اطلاعیه هیئت سیاسی مورخه ۶۷/۳/۷ مندرج در نامه مردم شماره ۲۱۱ است . اینک تنها به نامه شما خطاب به هیئت سیاسی برای روشن تر شدن موضوع بسنده می کنم :

الزیر
۸۶۱۷۶۳

رفقا و اصحاب سیاسی عزیز من عرض کردم ایران

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۶ در جریان جلسه هیئت سیاسی در کنفرانس ملی مسائل جنبه تشکیلاتی و روشنی

داخل مطرح ، استند بملک متقن مطرح نمودم . متأسفانه با برخورد ناسمجرتنگ نظرهای من در کشای

سیاسی برانجام گردید و با مسکوت برنگزیده شد . در پی این واقعیت غیرقابل انکار در طرح ارائه نمودم

که علاوه بر این ، در پی هم عضو هیئت سیاسی در مورد مسئله با نوازید مذکور در فوق شرکت این طایفه را

دنبال کردیم . اینها را باید در نظر گرفت . در واقعیت همین هیئت سیاسی است که سکوت با مفهوم برد جان

درج نمودن صفت عالی صدمی در آن کرد که سکوت با مسکوت است . در صورتی که سکوت با مفهوم برد جان

ذکر می نماید .

چنانچه این وضعیت همچنان ادامه یابد با آن مسائل مطرح شده در هیئت سیاسی

و نیز صفت کلیت را در نظر می گیریم . در آن صورت باقی مانده در هیئت سیاسی در نظر می گیریم

حزب و متوجه مسائل غیر تشکیلاتی نیستیم . امید است این مسائل را به سرعت حل نماید

۶۶/۴/۱۱

۸۷/۷/۲

رفقای هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۶ در چهارمین جلسه هیئت سیاسی پس از کنفرانس ملی مسائل جدی تشکیلاتی و امنیتی داخل و خارج با استناد به مدارک متقن مطرح کردید که متأسفانه با برخورد ناپسند و تنگ نظرهای برخی از اعضای هیئت سیاسی مواجه گردید و با سکوت برگزار شد . در برابر این مسائل و واقعیات غیر قابل انکار طرحی ارائه نمودم که علاوه بر اینکه دبیردوم حزب رفقا صفری که در رابطه با موارد مذکور در فوق مسئولیت پس خطیری بر عهده داشت از مسئولیتهاش برکنار می گردید ، راه کشای تحولات جدی بعدی نیز می شد . اما سکوت با مفهوم هرد و جناح موجود درون هیئت سیاسی سدی ایجاد نمود که کلیه واقعیات مستند ثبت شده در صورتجلسه مورخ ۶۶/۲/۲۵ زیر پا گذاشته شده است .

چنانچه این وضعیت همچنان ادامه یابد و با آن مسائل بطور جدی برخورد قاطع و انقلابی صورت نگیرد ، اینجانب طبعاً با مسئولیتی که دارم نمی توانم بی تفاوت باقی بمانم . در این (جا) ضرورت است تأکید شود که دبیر اول حزب رفیق خاوری نیز پاسخگو است و مسئولیت درجه اول را به عهده دارند .

غنی بلوریان

* * *

واما نامه شط مندرج در "نامه مردم" شماره ۲۱۱ خود حاوی نکات متضاد، خودافشانه و قابل تامل است که به روشن شدن کامل موضوع کمک شایانی نکند. به راستی "اسناد و مدارک انکارناپذیر ارائه شده" و "متن" که شما از آنها یاد کرده اید، کدام اسنادند؟ "واقعیات مستند ثبت شده در صورتجلسه ۶۶/۲/۲۵ که زیر پا گذاشته شده است"، چه واقعیاتی هستند؟ پس از اطلاع از چه ماجراهایی بود "که شما به" کتبه فساد و آلودگی های سیاسی در دین رهبری که تا امروز محفسی نگاه داشته شده بود" می بردید؟ اهمیت موارد امنیتی تا چه اندازه جدی بود که شما پیشنهاد برکناری حمید صفری دبیر دوم حزب را مطرح نموده بودید؟ اینها و سئوالات دیگر از این دست ۰۰۰ حتی فراموش نکردم اید که در جلسه هیئت-یاسی مورخه ۶۶/۲/۲۵، دبیر اول علی خاوری بسا ترک تعدی محل جلسه موجب عقیم ماندن تصمیم گیری نهایی شد. آیا درست به دلیل وجود اسناد و مدارک انکارناپذیر نبود که او دست به این عمل زد؟ آیا توطئه سرهمبندی کردن پلنوم دیماه ۱۳۶۶ و عدم دعوت من به آن به بهانه "استعفا" برای جلوگیری از ارائه همان اسنادی که شما از آنها به عنوان اسناد "متن" یاد کردید، صورت نگرفت؟

هراس از چه غلطی بود که هیئت دبیران را واداشت تا به بهانه استعفای من از کمیته مرکزی مانع شرکت حتی در اجلاس پلنوم فرمایشی و توطئه گرانه دیماه ۱۳۶۶ گردد؟ اگر متن استعفای وجود داشت چرا تا کنون از ارائه و انتشار آن خودداری کرده و می کنند؟ این سئوالی است که مدتها برای همه اعضای صادق حزب مطرح بوده و هست.

گردانندگان حزب باید بدانند که با اینگونه شرد های توهی گرانه دیگر نمی توانند موجبات انتشار فکری و تردید نیروهای صادق حزبی را نسبت به واقعیات فراهم آورند.

هم اکنون نیز بار دیگر اعلام می دارم که کماکان آماده ام همه آن مدارک متن و اسناد انکارناپذیر مطرحه در نامه های شما و واقیعت ثبت شده در صورتجلسه ۲۵ اردیبهشت ۶۶ را یکبار دیگر در یک اجلاس با صلاحیت انقلابی ارائه و اثبات نمایم.

شط نوشته اید:

متاسفم که انور از اتهام زدن به انسانهای شریف برای پیشبرد کار خود شتابی ندارد. ۰۰۰ واقعیات مبارزات در دین حزبی ام که در جزوات ۷ اسفند ۶۶ و ۲ اردیبهشت ۶۷ بازتاب یافته گویا تر از آنست که نیازی به توضیح بیشتر داشته باشد.

بحث بر سر دفاع از اصولیت و حقیقت، دفاع از آرمانهای رفقای شهید و دریند مان است. بحث بر سر مسائل ایدئولوژیک، تشکیلاتی و سیاسی است که در این زمینه شکست فاجعه بار حزب توده ایران در سالهای پس از انقلاب چون تجربه آموزنده ای در برابر ما قرار دارد. بحث بر سر تزهای انحرافی ارائه شده به "کنفرانس ملی" و تمویب سرهمبندی شده آن توسط هیئت سیاسی پس از این "کنفرانس" است که من پس از دریافت آن نظریات انتقادی خود را در تاریخ ۲۵ دیماه ۶۵ در ۲۶ صفحه ارائه نمودم و متاسفانه هیچگاه در اختیار اعضای کمیته مرکزی قرار نگرفت. بحث بر سر مبارزه با سیستم فکری و عقلی حاکم بر رهبری حزب است، تا فردا شاهد فاجعه دیگری نباشیم. بحث بر سر مبارزه با سیستم سازماندهی فاجعه بار تشکیلات مخفی داخل و مسائل امنیتی در دین رهبری است که اکنون به محور این پاسخ نامه بدل شده است. بحث بر سر سکوت نکردن و چشم بستن بر عملکردهای مسئولین اجرایی تشکیلات داخل و مبارزه با سیستمی که حامی اعمال افراد نظیر علی خدایی، اردشیر جم (بهرام) و اکبرافرا است که شما شخصاً گزارشهای اعتراضی و انتقادی متعدد رفقای تشکیلات داخل را در رابطه با آنها مطالعه کرده اید.

علی خدایی عضو کمیته مرکزی از طراحان سیستم ارتباط با هسته های داخل از طریق قاچاقچیان مواد مخدر بوده است. عملکرد سیاسی و اخلاقی نامبرده در کشور محل برکناری "کنفرانس ملی" شهره عام و خاص است. حتی این موضوع ولو به شکل کمزنگ در گزارش کمیسیون فرمایشی هیئت سیاسی برای رسیدگی به وضع وی نیز منعکس است. برکناری او از مسئولیت یاد شده نیز خود موبد همین نظر تحت فشار رفقای داخل

است. در مورد اردشیر جم (بهرام)، عضو مشاور کمیته مرکزی نتیجه چه شد؟ آیا غیر از این شد که طیرغم هشدارهای مکرر، او به مدت سه سال و نیم در مسئولیت حساس ترین کار تشکیلاتی (مسئول مستقیم اجرایی ارتباطات با رفقای سرشاخه تشکیلات داخل) باقی ماند و تا امروز هم تقلامی کند افتضاحات آن را پوشیده نگاه دارند؟ در مورد عنصر دیگر یعنی اکبرافرا که از شرکت کنندگان "کنفرانس ملی" بود، واقعیات زندگی چه چیزی را نشان داد؟ آیا غیر از این که او با داشتن اطلاعات وسیع امنیتی حزب و نیز تشکیلات داخل، پس از سوء استفاده مالی به کانادا می گریزد؟

رفیق بلوریان! از کدام انسانهای شریف که مورد "اتهام" واقع شده اند، یاد می کنید؟ موضوع دیگر بر سر داد و نوری است: واقعیات این است که من بنا به شرایط کار حزبی ام هیچگونه ارتباطی با ایشان نداشته و در تمام عمرم هیچگاه او را ندیده ام. بنابراین دلایلی هم برای خصومت من نسبت به ایشان نمی تواند وجود داشته باشد. من صرفاً در جریان ماموریت حزبی کوتاه مدت محوله از سوی هیئت دبیران، به مسئله تماس وی با سفارت جمهوری اسلامی آگاه می شدم و سریعاً هیئت دبیران را مطلع ساختم. آیا بیان و افشای این نمونه های غم انگیز و اسفناک امنیتی و تشکیلاتی پاسخ به ندای وجدان است و یا "تا امن نشان دادن تشکیلات حزبی"؟! سکوت و لاپوشانی حقایق جهت فریب توده های حزبی را با کدام موازین حزب انقلابی می توان محک زد؟ انگ و اتهام زنی و نیات جاه طلبانه "از آن کسانی است که مصلحت گرایی های شخصی را برتر از حقیقت قرار می دهند و حاضرند بخطر حفظ موقعیت خود بر فجاج رخ داده چشم بربندند."

شط خوب می دانید که من با کمترین سازش یا به زعم برخی ها "ترس" در برابر این گردانندگان حزب، هم اکنون می توانستم حداقل مانند سه سال پیش، در بالاترین رده مسئولیت حزبی قرار داشته باشم. برای کسی که نزدیک به دو دهه از زندگی خود را در شرایط مبارزه مخفی، آنهم عدت تادار در دین ارتش گذرانده و طیرغم موقعیت عالی تکاملی همه مخاطرات را به جان خریده، آیا "جاه طلبی" و یا "مقام حزبی" مقولاتی بی مفهوم نمی شوند؟

شط همچنین در نامه خود ادعا کرده اید:

من مسئله را با رفقای ذیصلاح دیگر در میان گذاشتم ولی برای آنها هم معلوم شد که اتهام نارواست" (نامه مردم، شماره ۲۱۱).

برای روشن شدن آذهان رفقا بهتر بود ذکر می کردید که منظور شما از "رفقای ذیصلاح دیگر" کدام مرجع حزب توده ایران است؟ اگر منظور هیئت سیاسی و کمیته مرکزی است، باید گفت گزارشهای انبار شده در هیئت سیاسی و تجربه پلنوم دیماه ۶۶ نشان داد که این مراجع حزبی، توان و صلاحیت حل مسایل حاد موجود را ندارند و موج اعتراضی و انتقادی گسترده در واحد های حزبی علیه ایشان آقایان خود مبین همین واقیعت است. بنابراین از لحاظ اصول تشکیلاتی به هنگامی که هیئت سیاسی و کمیته مرکزی قادر به حل مسائل مهم حزبی نباشند - که عملاً در حال حاضر این چنین است - تنها مرجع ذیصلاح کنگره حزب می تواند باشد و لا غیر.

اما اگر احتمالاً منظور شما غیر از آن است که مطرح نمودم، باید گفت که اصولاً توجیه مسائل با این گونه شیوه های کهنه شده برای یافتن فکری که قرار داشتن شما را در کنار صفری، خاوری و لاهوردی یحیی جریان "فرقوی" و اینکه اینک ماندن در ترکیب هیئت سیاسی کنونی را توجیه کند، بسی فایده است. اینکه واقعیات مطرحه در نامه هایتان را چه در ماههای قبل از پلنوم دیماه ۱۳۶۶ وجه در روزهای برگزاری پلنوم، در گفتگوهای خصوصی و در گوشه خارج از جلسه رسمی مطرح و تأیید می کردید، یاد آور شیوه هایی است که امروزه در خاطرات برخی اعضای رهبری گذشته حذب می خوانیم و از طریق این شیوه ها ضربات کمی نخوردیم. در شرایط جنبش انقلابی امروز، این وظیفه همه نیروهای صادق انقلابی است که با تمام توان در برابر این سیستم فکری و عقلی فرتوت بایستند و بسا شکیبایی همراه با قاطعیات شیوه درست را جانشین آن سازند. اصولاً در دوران تحولات و دگرگونی سازی در حزب بزرگ لنین و جنبش کمونیستی جهان و همچنین ایران، مبارزه با چنین شیوه های کهنه و مجموعه اندیشه های کهنه موجود در جنبش، از اهمیت زیاد برخوردار است.

باید تاکید کرد که واقعیات مطروحه در جلسه ۲۵ اردیبهشت ۶۶ هیئت سیاسی حزب توده ایران را نمی توان با "تنظیم" هیچ اطلاعیه، بیانیه، افترا نامه و یا توبه نامه، تحریف یا کتمان کرد. این تقلای گردانندگان حزب توده ایران تلاشی است عیث.

اینجانب با علم به اینکه در این مبارزه علیه سیستم فاسد حاکم بر حزب، روزی هدف انواع افترا ناط و توطئه های زنازنگ واقع خواهم شد، نخواستم و نتوانستم حقایق فاش در نزد دشمن را به گوش توده های حزبی نرسانم.

در پایان برای عریان تر کردن چنین شیوه کهنه و رایجی، نوشته خود را با بخشی از نامه رفیق اکبر شاند رمنی (از انگشت شمار بازماندگان گروه ۵۳ نفر) که با موضع انقلابی و سازش ناپذیر خود در برابر سیستم فاسد حاکم بر رهبری حزب توده ایران از عضویت هیئت سیاسی استعفا داده اند، خاتمه می دهم. در همین حال در آینده نزدیک متن کامل نامه ایشان را که خود پیامی آموزنده و هشدار دهنده به توده های صادق حزبی است، انتشار خواهم داد.

رفیق شاند رمنی در نامه خود خطاب به من از جمله م. نویسد:

"رفیق گرامی انور" شهر دوشنبه هفتم ماه مه سال ۱۹۸۸

نامه شان همراه پیام ۱۹ صفحه ای به انضمام رویدار نامه رفیق بلورین بدستم رسید. پیام شما مطالبی در بر دارد که هم جالب و هم مهم می باشد. بخصوص برای جوانانی که از همه جا و همه چیز بی خبر صافانه و با ایمانی بی غش جان برکف در راه نبرد خونین طبقاتی کشورمان کام نهاده جانانه پیگاری می کنند، اهمیت بسزایی دارد.

مسلم است کسانی امثال شما که سالیان دراز با نابکارانی چون عناصر مورد اعتراضتان دست بسته گریبان بوده اند، وظیفه وجدانی و مسلکی دارند پرتوافکن پیش راه آنان باشند و آگاهشان سازند تا راه را از چاه تمیز دهند و رفیق راه را از نارفتی ولی در لباس رفیق، باز شناسند.

از اینرو اقدام شما کاریست لازم و صواب، گو اینکه درد دودش را در چشم شما همید کشید، آنچنان که دیگران. لیکن ارزش کارهای جسورانه، هشدار دهنده و بیدارکننده های از این قبیل بیشتر از آن است که به حساب آید.....

با سلام رفیقانه به امید دیدار اکبر شاند رمنی."

"انور"

۱۲ تیرماه ۱۳۶۷

پاسخ به توبه گیران

(پیرامون اطلاعیه اخیر هیئت سیاسی حزب توده ایران)

"انور"

۱۲ تیرماه ۶۷